

شجاعته اصلاح یافته بودن

دکتر برک پارسونز

هنگامی که در شناخت الهیات اصلاح یافته قدم برمی داریم، این فقط درک ما از نجات نیست که تغییر می کند، بلکه درک ما از همه چیز دچار تحول می شود. به همین دلیل وقتی افراد با آموزه های ابتدایی الهیات اصلاح یافته دست و پنجه نرم می کنند و به درک آنها می رسند، اغلب احساس می کنند برای دومین بار به مسیحیت گرویده اند. در واقع، براساس اعتراف اشخاص متعددی که با من صحبت کرده اند، برخی بعد از این اتفاق برای اولین بار تبدیل واقعی و مسیحیت را درک کرده اند. از طریق بررسی الهیات اصلاح یافته، آنها برای اولین بار با واقعیت تلخ تباهی کامل انسان، مرده بودن در گناه، برگزیدگی بی قید و شرط خدا، محکومیت ابدی و کار مسیح به جهت نجات قومش، روبرو شده اند. آنها بعد از مواجهه با این الهیات، فیض مؤثر روح القدس، چگونگی استقامت ایمانداران در فیض پایدار خدا، و عمل کرد عهد خدا در تمام تاریخ برای جلال او را درک کردند. وقتی مردم متوجه می شوند که در نهایت، آنها خدا را انتخاب نکرده اند، بلکه او آنها را انتخاب کرده است، طبیعتاً به نقطه ای می رسند که فروتنانه به فیض شگفت انگیز خدا نسبت به آنها اعتراف می کنند. تنها در آن صورت است که تشخیص می دهیم واقعاً چه انسان های بی چاره ای هستیم و بعد می توانیم سرود "فیض عظیم" را از ته دل بخوانیم. این دقیقاً همان کاری است که الهیات اصلاح یافته انجام می دهد: ما را از درون به بیرون متحول می کند و ما را به سرود خواندن وامی دارد، ما را به پرستش خدای قادر مطلق، خدای تثلیث، خدای بخشنده ای که ما را دوست داشته و محبت می کند برمی انگیزاند؛ نه صرفاً به پرستش در روزهای یکشنبه، بلکه هر روزه و در تمام زندگی. الهیات اصلاح یافته یک برجسب نیست که به دلیل جالب بودن یا محبوبیت از آن استفاده کنیم، بلکه الهیاتی است که آن را زندگی می کنیم، نفس می کشیم، اعتراف می کنیم و حتی زمانی که مورد حمله قرار می گیرد از آن دفاع می کنیم.

اصلاح گران پروتستان قرن شانزدهم، همراه با پیشینیان قرن پانزدهمی و فرزندان قرن هفدهمی خود، در پی تعلیم و دفاع از آموزه های خود به دلیل جالب یا رایج بودن آنها نبودند؛ بلکه به این دلیل که کتاب مقدسی بود، و زندگی خود را برای آن به خطر انداختند. آنها نه تنها حاضر بودند برای الهیات کتاب مقدس جان خود را بدهند، بلکه حاضر بودند برای آن زندگی کنند، برای آن رنج بکشند و به خاطر آن احمق تلقی شوند. اشتباه نکنید: اصلاح گران نه به دلیل اعتماد به نفس و اتکاء به خود، بلکه به دلیل این واقعیت که توسط انجیل متواضع شده بودند، جسور و شجاع بودند. آنها شجاع بودند زیرا روح القدس در آنها ساکن بوده و مجهز شده بودند تا نور حقیقت را در عصر تاریک دروغ اعلام کنند. حقیقتی که آنها موعظه می کردند جدید نبود؛ قدیمی بود، آن آموزه ی شهدا، پدران، رسولان، و مردان کلام خدا بود که توسط آنها موعظه می شد. این همان خداشناسی ای بود که در کتاب مقدس بیان شده است.

اصلاح‌گران الهیات خود را شکل ندادند؛ بلکه آن الهیات بود که شخصیت آنها را شکل داده بود، الهیاتی که از آنها افرادی اصلاح‌گر ساخت. زیرا آنها در خود اصلاح‌گر نبودند، آنها تصمیم گرفتند به خدا و کتاب مقدس وفادار باشند. سولاس‌های اصلاحات (پنج فقط بنیادین) و آموزه‌های فیض (پنج نکته‌ی کلون) توسط اصلاح‌گران ابداع نشدند و به هیچ وجه تمامی آموزه‌های اصلاح‌گران نبودند. بلکه آنها به مقدمه‌ی اعتقادات و زیربنای اصولی تبدیل شدند که به کلیسا در دوره‌های بعدی کمک کرد تا به آنچه معتقد است معترف بوده و از آن دفاع کند. اما امروزه بسیاری از کسانی که ادعای باور به الهیات اصلاح‌یافته را دارند، اصلاح‌یافته بودنشان تنها به ژرفای سولاس‌های اصلاحات و آموزه‌های فیض است. علاوه بر این، بسیاری هستند که می‌گویند به الهیات اصلاح‌یافته پایبند هستند، اما علاقه‌ای به ابراز آن ندارند و نمی‌خواهند کسی از دیدگاه آنها با خبر شود. این افراد که به "کلونیسست‌های توی کمد" معروف هستند، نه هیچ یک از اعترافات تاریخی اصلاح‌یافته‌ی قرن شانزدهم یا هفدهم را اعتراف می‌کنند و نه صدای مشخصی برای الهیات اصلاح‌یافته هستند.

اما اگر ما واقعاً طبق اعترافات اصلاح‌یافته‌ی تاریخی به این الهیات پایبند باشیم، نمی‌توانیم در اعلام آن سکوت اختیار کنیم. در حقیقت، غیرممکن است که یک "کلونیسست توی کمد" باقی بمانیم، و غیرممکن است که اصلاح‌یافته باشیم بدون اینکه کسی بداند؛ این امر ناگزیر ظاهر خواهد شد. یک اصلاح‌یافته‌ی تاریخی بودن، به معنای پایبندی به اعتقادنامه‌های تاریخی اصلاح‌گران است و نه تنها پایبند بودن، بلکه معترف بودن، اعلام کردن و دفاع از آنهاست. الهیات اصلاح‌یافته اساساً یک الهیات اعترافی است.

الهیات اصلاح‌یافته همچنین یک الهیات فراگیر است. به این معنی که نه تنها دانسته‌های ما را تغییر می‌دهد، بلکه نحوه‌ی شناخت ما از دانسته‌هایمان را نیز با تغییر روبرو می‌کند. نه فقط بینش ما را نسبت به خدا تغییر می‌دهد، بلکه به ما در شناخت خودمان نیز کمک می‌کند. در واقع، نه تنها دیدگاه ما را نسبت به نجات تغییر می‌دهد، بلکه نحوه‌ی پرستش، بشارت دادن، تربیت فرزندان، رفتارمان در کلیسا، دعا کردن و مطالعه‌ی کتاب مقدس ما را نیز تغییر می‌دهد؛ همچنین دیدگاه ما را نسبت به وجودمان، زندگی‌مان و فعالیت‌هایمان با تغییر مواجه می‌سازد. الهیات اصلاح‌یافته، الهیاتی نیست که بتوانیم آن را پنهان کنیم، الهیاتی نیست که بتوانیم صرفاً در مورد آن سخن بگوییم. زیرا این طریق استفاده‌ی بدعت‌گذاران و شهرت‌طلبان از الهیات در طول تاریخ بوده است. آنها ادعا می‌کنند که به اعتقادات اصلاح‌یافته‌ی خود پایبند هستند، اما در واقع هرگز به آنها اعتراف نمی‌کنند. آنها فقط زمانی مدعی اصلاحات می‌شوند که در حالت تدافعی هستند، زمانی که الهیات مترقی و (محبوب) آنها زیر سوال می‌رود، و اگر کشیش باشند، فقط زمانی که شغلشان در خطر است. افراد با وجود گرایش به الهیات لیبرال ممکن است در کلیساها و فرقه‌هایی باشند که به عنوان "اصلاح‌یافته" شناخته می‌شوند، و از داشتن چنین هویتی خجالت بکشند و به این باور رسیده باشند که شناخته شدن به عنوان "اصلاح‌یافته" برای برخی مانع ایجاد ارتباط و برای برخی دیگر توهین تلقی می‌شود. شاید دیگر مشخصه‌های کلیسا از جمله؛ موعظه‌ی کلام خدا، دعا بر اساس کلام خدا، انجام صحیح آیین‌های تعمید و شام خداوند، و انضباط کلیسایی در این جماعت‌ها دیده شود، اما در عین حال "اصلاح‌یافته" نباشند. امروزه بسیاری ایمانداران و کشیشان هستند که سال‌ها پیش الهیات و اعترافات اصلاح‌یافته‌ی خود را ترک کرده‌اند.

برخلاف این روند، آنچه ما بیش از همه به آن نیازمند هستیم وجود واعظینی است که شجاعتِ اصلاح‌یافته بودن را داشته باشند، مردانی که از ایمانی که به مقدسین هدیه داده شده است شرم ندارند، بلکه آماده‌اند تا برای آن مبارزه کنند، نه با سخن گفتن، بلکه با تمام زندگی و تمام توانشان. ما به مردانی در پشت منبرها نیاز داریم که در اعلام حقیقت جسور و تزلزل ناپذیر و در عین حال بخشنده و دلسوز باشند. ما به مردانی نیاز داریم که حقایق الهیات اصلاح‌یافته را در فرصت و غیر فرصت، نه با انگشت اشاره به صورت، بلکه با بازوی دور شانه‌ها، موعظه کنند. ما به مردانی نیاز داریم که اعترافات اصلاح‌یافته را دوست دارند، دقیقاً به این دلیل که خداوند، خدای ما و کلام تغییرناپذیر، الهام یافته و معتبر او را دوست دارند. تنها با وجود چنین مردانی در پشت منبرها که شجاعتِ اصلاح‌یافته بودن را دارند، ایماندارانی را خواهیم داشت که الهیات اصلاح‌یافته و تأثیرات آن را در تمام زندگی خود درک کنند، آن وقت می‌توانیم خدا را با تمام قلب و روح خود دوست داشته و توان خواهیم داشت تا همسایه‌ی خود را مانند خودمان دوست بداریم. این الهیاتی است که در قرن شانزدهم کلیسا را اصلاح کرد و این تنها الهیاتی است که اصلاحات و احیای قرن بیست و یکم را به ارمغان خواهد آورد. زیرا در این دوران لیبرالیسم و الهیات مترقی، استوارترین دیدگاهی که می‌توانیم داشته باشیم، اعتراف به الهیات اصلاح‌یافته و راست‌دین‌مان است، نه با تکبر، بلکه با شجاعت و شفقت برای کلیسا و برای افراد گمشده، و همه برای جلال خدا، و جلال او به تنهایی.

دکتر برک پارسونز ویراستار مجله‌ی *تیبل‌تاک* و کشیش ارشد کلیسای سنت اندرو در استنفورد، فلوریدا، است. او ویراستار *Assured by God: Living in the Fullness of God's Grace* می‌باشد. نشانی حساب توییتر او [@BurkParsons](https://twitter.com/BurkParsons) است.

این مقاله در مجله [تیبل‌تاک](#) منتشر شده است.